

قرآن از منظر دانشمندان

دانش و دین راستین تضادی ندارند

ادامه بحث: در باب اندیشه دکتر موريس بوکای

● خدیجه معین

● مقدمه:

با وجود حرکت‌های مسموم و سرمایه‌گذاری‌های متعدد و مستمر معاندان اسلام و با وجود وسایل ارتباط جمعی فراوان (که البته اکثراً در اختیار دنیای غرب و اروپا است) جو سازی وسیع جهت محو آثار ارزنده دین اسلام و قرآن حاکم بوده و می‌باشد. بویژه پس از انقلاب رنسانس و افراط‌گری معاندانه بعضی از متفکران، مبنی بر اینکه، دین بازدارنده دانش در مسیر سریع رشد است؛ علاوه بر این موضوع، عناد و دشمنی سیاستمداران غربی و پیدا کردن بهانه و بستر مناسب برای جو سازی علیه دین مبین اسلام، ایجاب می‌کند که از همان دبار غرب روشنگری افراد متعهد و دانشمند، این تفکر غلط و توطئه را بر هم زنند، و بی‌پایه بودن آن را برملا سازند!

گامه علوم انسانی و مطالعات فرنگی
رتال جامع علوم انسانی

« طرح سؤال: »

در این رابطه و به دنبال مقاله‌ای که در دومین شماره همین مجله درج شد، نظرات اندیشمند فرانسوی، دکتر موريس بوکای را تا حدی منعکس کردیم، که این مبحث را پی می‌گیریم. در این شماره بیشتر به بحث درباره «دانش و دین» و اینکه و آیا داده‌های دانش بشری با دین و قرآن تضاد دارد، یا همگونی؟ و داده‌های قرآن تا چه حد و اندازه به این امر مهم پرداخته؟ نظر پیشوایان دین در این زمینه چیست؟ و در خلال بحث از نظرات دکتر موريس بوکای، از کتاب

«مقایسه میان تورات و انجیل، قرآن و علم» استفاده خواهیم کرد.
دکتر بوکای در این زمینه مطالب ارزنده‌ای عنوان می‌کنند که
شمه‌ای از آن این چنین است:

«مشارکتی این چنین بین «قرآن و دانش نو»، بداهتاً شگفتی‌آور
است، خاصه که سخن از «همسازی می‌رود نه از، ناسازی»، آیا
مواجهه کتابی دینی با آراء الحادآمیزی که دانش به آنها مباهات
می‌کند، به نظر بسیاری در عصر ما خلاف عقاید عمومی نیست؟!
فی الواقع امروزه سوای مستثنیاتی چند، دانش پژوهان که اکثراً از
تئوری‌های ماده‌گرا، سرشارند، اغلب اوقات برای مسایل دینی که
به نظر آن‌ها مبتنی بر افسانه‌ها است، چیزی جز بی‌تفاوتی یا تحقیر
ندارند. به علاوه در کشورهای ما غربیان، هنگامی که از «دانش و
دین» صحبت می‌شود، به طیب خاطرشان فقط، یهودیت و
مسیحیت می‌آید!، اما هیچ وجهی به اندازاج اسلام در آن نمی‌شود.
از طرف دیگر آنقدر قضاوت‌های نادرست مبتنی بر ادراک‌های
پرخطا درباره اسلام ابراز شده است که در ایام ما، تدارک ایده
صحیحی از اسلام واقعی، بسیار دشوار است.»

البته ایشان توضیحاتی درباره اینکه چرا این ایده در غرب حاکم
است، داده‌اند و بحث تفسیر و یا ترجمه ناصحیح از واژه‌ها و
خصوصاً واژه‌های قرآنی را مطرح کرده‌اند، مانند: واژه «اللّه»، که
ترجمه و تفاسیر متعدد و نادرست از این کلمه آسمانی شده است.
ایشان خواسته‌اند با مطرح کردن این مبحث، متذکر شوند که علمای
اندیشمند، باید پژوهش و تبلیغ گسترده و ابتدایی را همت کنند؛
سپس در ادامه، از موضوع دین و قضا و قدر و اجباری نبودن دین،
صحبت کرده و در فرازی با آوردن آیات قرآن، این چنین می‌گوید:
«کتاب مسلمانان، قرآن، این چنین می‌گوید: «هیچ اجباری در
کار دین نیست.»

«... او (خدا) شما را به دین خود سرفراز کرده و در مقام تکلیف

بر شما مشقت و رنج ننهاده است ...»^۲

ایشان معتقدند در هیچ دین توحیدی، دانش محکوم نشده است، ولی روابط بین «ادیان و دین» در همهٔ زمان‌ها یکسان نبوده است؛ وی معتقد است که، به خاطر مخالفت بعضی مقامات دینی (یهودی و مسیحی و بعضاً مسلمان) بدون اتکاء به متون دینی، و جلوگیری از پژوهش بعضی اندیشمندان - خواسته یا ناخواسته - موجب فاصله بین دین و دانش و دانشمندان و موحدان شده‌اند. از دیرباز دانشمندان، همواره چگونگی محاکمهٔ گالیله که به خاطر ازسرگرفتن کشفیات کپرنیک، دربارهٔ حرکت وضعی زمین، مورد استناد قرار داده‌اند و این موضوع باعث مناقشه و بعضاً عناد بین دانشمندان و مذهب است. دکتر بزرگای می‌نویسد: «اما موقعیت اسلام در برابر دانش بکلی متفاوت است، هیچ چیز روشن‌تر از حدیث معروف پیامبر (ص) نیست، که فرمود: «دانش را بجوی حتی در چین»، یا حدیث دیگر که فرمود: «تکاپوی دانش بر هر مرد مسلمان و هر زن مسلمان واجب است» امر مهم اصلی این است که قرآن همواره مردم را به پژوهش و جستوش دانش فرامی‌خواند و مشتمل بر نظرات متعددی دربارهٔ پدیده‌های طبیعی با تنظیلات تبیینی است که کاملاً با داده‌های دانش نو موافق است، در حالی که با اصول دینی وحی شده، یهودی و مسیحی، معادل‌هایی برای آن نظرات وجود ندارد.»

گر چه در کتاب «تفسیر ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم» آقای بسوگای، آیات کثرتی‌گون در باب جایگاه رفیع دانش و دانش‌اندوزان عامل، مورد استثناء قرار گرفته است، اما بجا است اشارتی گذرا، به برخی از آیات در این بخش از سخن - بدون شرح - نماییم که شاید به گونه‌ای پراکنده در کتاب ایشان آمده باشد.

«اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ لِيَتْلَمَّوهَا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ

شَيْءٍ قَدِيرٌ...»^۲

«خداوند همان کسی است که هفت آسمان را آفرید و از زمین نیز همانند آنها را، فرمان او در میان آنها پیوسته فرود می‌آید، تا بدانید خداوند بر هر چیز تواناست و...»

البته باید توجه داشت که علم توحید، اساس و بنیاد هر دانش و محور هر گونه شناخت و معرفت است.

و آنجایی که خداوند، برای اولین بار با پیامبرش محمد(ص) سخن می‌گوید و ندای ملکوتی در گوش حضرتش می‌پیچد، حقیقت علم و دانش آشکار می‌گردد و خدا می‌فرماید:

«إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ، إِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ،

الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ»^۳

«ای پیامبر! بخوان به نام پروردگارت که آفرید، همان کس که انسان را از خون بسته‌ای خلق کرد، بخوان که پروردگارت بزرگوارتر است، همان کسی که به وسیلهٔ قلم تعلیم نمود.»

ملاحظه می‌کنید که خداوند برای نخستین بار با بهترین بندگانش، سخن را چگونه می‌آغازد، که اول نعمت «وجود» و «خلق» را و پس از آن نعمت گرانبهای دانش و بینش و «علم» را و مرکب این علم و دانش یعنی «قلم» را مطرح کرده است. در خصوص این موضوع کراراً در منابع اسلامی نقل قول از قول پیشوایان دین اسلام شده است. به قول یکی از بزرگان، از آن جهت خداوند کرامتش نامحدود است که با «قلم و علم و آگاهی» انسان را والا داشته است. در همین خصوص میزان الحکمة جمله‌ای را آورده که:

«یوزن مداد العلماء و دم الشهداء، یرجح مداد العلماء علی دم

الشهداء»^۴

«قلم» علماء با خون شهداء، سنجیده می‌شود، مداد علماء بر خون شهداء ترجیح داده می‌شود، البته رابطه تنگاتنگ علم و ایمان

نباید فراموش شود. از آیات زیادی استفاده می‌شود که عامل بی‌ایمانی «جهل» است:

«... ذلک پاتهم لا یعلمون». ۶ یا «... لو کانوا یعلمون». ۷

و شواهد دیگر که در کتاب مقدس وحی (قرآن) موجود است. و سرچشمه اصلی ایمان، «علم و آگاهی» است:

«... و ما یعقلها الا العالمون». ۸ یا «... ان فی ذلک لایة للمؤمنین». ۹

«و آن را درک و تعقل نمی‌کنند، مگر آگاهان». یا «در این، نشانه‌ای است برای ایمان‌آوردندگان».

و واضح است که خداوند بارها متذکر می‌شود که آن «علمی» ارزشمند و انسان‌ساز است و در بستر کمال و تعالی، ساری و جاری است، که همراه با عمل، تعهد، خشوع و پرهیزکاری باشد.

«إِنَّمَا یُحْشَى اللّٰهُ مِنَ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ». ۱۰

«فقط بندگان دانشمند از خدا می‌ترسند (حساب می‌برند)

در ادامه باز می‌گردیم به دریای بی‌کران معرفت الهی، کتاب مبین و منجی بشریت، آنجا که ارزش «علم و عالم» و آن کسی که در این راه زحمات زیاد متحمل می‌شود و خون دل‌ها می‌خورد و خواب راحت را برای خود حرام می‌کند و گاه بر اثر ممارست بر یادگیری و یاددهی، لطمات جسمی می‌بیند را، خداوند معین فرموده:

«هل یستوی الذّٰین یعلمون و الذّٰین لا یعلمون، إِنَّمَا یُتَذَكَّر

أُولَٰئِالْبَاب». ۱۱

«آیا کسانی که می‌دانند و آنان که نمی‌دانند، با هم برابرند؟ فقط

صاحبان اندیشه متذکر و متوجه می‌شوند.»

صرفاً اندیشمندانند که تفاوت عظیم و بُعد مسافت معنوی این دو گروه را درک می‌کنند و امتیاز میان آنان را بازمی‌شناسند.

حتی دین اسلام برای عالمان و اندیشمندان برکات و درجات اخروی معین نموده است، که نه تنها ثمره دانش و تلاش و پژوهش



خود را در این دنیا ببینند، بلکه نوید پاداش آخرت به آنها داده می شود :

«يرفع الله الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَاَلَّذِينَ اوتوا العلم درجات»^{۱۲}.

«خداوند کسانی را که ایمان آورده اند و آنان که از علم برخوردار شده اند را، به درجاتی بالا می برد».

و بالاتر از آن، بخشی از ادعیه قرآنی است که اختصاص به درخواست ازدیاد «علم» است.

با وجود اینکه پیامبر از بینش و دانش و حکمت کافی برخوردار است، باز هم خدا می فرماید :

«قل رب زدني علماً»^{۱۳}.

«بگو پروردگارا بر مراتب دانش و بینش من بیفز».

بازگردیم به جملاتی از دکتر بوکای در همین زمینه :

«هنگامی که در کشورهای مسیحی ما در زمینه گسترش دانش، محدودیت‌هایی تحمیل شده بود، در دانشگاه‌های اسلامی، پیشرفت دانش چشمگیر بود. در آن زمان در این دانشگاهها بود که وسایل فوق العاده برای ترویج و پرورش علوم و صنایع و ادبیات وجود داشتند. در قُربه کتابخانه خلیفه، ۴۰۰۰۰۰ کتاب داشت و «ابن‌الرشد» در آنجا تدریس می کرد و نیز در آنجا به نقل علم یونانی، هندی و ایرانی می پرداختند. به این جهت بود که برای تحصیل از کشورهای مختلف اروپایی به قُربه می رفتند، همانطور که امروزه برای تکمیل برخی تحصیلات به ایالات متحده می روند. دست‌نویس‌های قدیمی بسیار به وسیله دانشمندان عرب به ما رسیده که دانش را به کشورهای مفتوح منتقل کرده اند!! ما به دانش عرب، در ریاضیات (الجبر) عربی است)، نجوم، فیزیک (مبحث نور)، زمین شناسی، گیاه شناسی، پزشکی (ابن سینا) و غیره، دیون بسیار داریم، دانش برای اولین بار در دانشگاه‌های اسلامی قرون



وسطی جنبه بین المللی گرفت. در آن موقع انسان‌ها بیش از زمان ما زیر نفوذ روح دینی بودند و این مانع از آن نمی‌شد که در محیط اسلامی به طور همزمان هم «مؤمن» و هم «عالم» باشند، «دانش» همزاد «دین» بود و کاش هرگز جز این نبود!!»

جای بسی تأسف است، که با وجود منابع غنی ما مسلمانان راجع به دانش، در ممالک اروپایی و غربی، اطلاعات بسیار ناقص حاکم است و اگر هم، این مقدار ناچیز آگاهی باشد، معاندان سعی در مخفی کردن آن می‌کنند، در حالی که در منابع اسلامی این همه سفارش به دانش پژوهی شده است.

رسول اکرم (ص) به علی (ع) فرمودند: «اگر یک فرد به وسیله تو و کمک خداوند راه هدایت را باز یابد و به سوی حق رهنمون شود، پرازش تر از آن است که مالک شتران سرخ موی فراوانی باشی.»^{۱۴} اسلام با همه سفارش به ما نسبت به عبادت و نقش مستحبات در سازندگی انسان، با این وجود، اهمیت دانش و یادگیری را برتر ذکر نموده است:

«قلیل العلم خیر من کثیر العبادة.»^{۱۵}

«دانش اندک از فراوانی عبادت، نیکوتر است.»

«علم بهتر است یا ثروت؟»

سال‌هاست این سؤال بر سر زبان‌ها، خصوصاً دانش‌آموزان، است و جواب‌ها، متفاوت. بهتر است پاسخ علی (ع) را به این سؤال بیان کنیم.

علی (ع) به کمیل بن زیاد فرمودند: «یا کمیل! العلم خیر من المال: العلم یحرسک و انت تحرس المال و العلم حاکم و المال محکوم علیه. و المال ینقضه النفقہ و العلم یزکو علی الانفاق.»^{۱۶} «ای کمیل! علم، بهتر از مال است، زیرا، علم و دانش از تو



رسال جامع علوم انسانی

نگاهبانی و پاسداری می‌کنند و وجودت را در پناه خود قرار می‌دهد. ولی در مورد مال و ثروت، تو خود ناچاری از آن پاسداری و نگاهبانی کنی؛ علم و دانش بر تمام شؤون زندگی و پدیده‌های هستی فرمانروا و حاکم است، در حالی که مال و ثروت انسان، محکوم و دستخوش اراده او می‌باشد؛ خرج و انفاق مال، موجب نقصان و کاهش آن می‌شود، در حالی که انفاق علم، یعنی تعلیم آن به دیگران، اندوخته‌های علمی عالم و دانشمندان را پربار و فزاینده‌تر می‌سازد.»

در پایان، فراز دیگری از نوشته آقای بوکای را در باب شگفتی فوق‌العاده‌اش از اعجاز پایداری اندیشه قرآنی می‌آوریم:

«این نظرگاه‌های دانشی بسیار ویژه قرآن در آغاز موجب شگفتی ژرف من شد، زیرا تا آن وقت نمی‌توانستم تصور کنم که بتوان در متنی که بیش از سیزده قرن پیش نگاشته شده است، این قدر تاییدات راجع به موضوع‌های بی‌نهایت متنوع و کاملاً سازگار با شناخت‌های دانش نو، کشف کرد. من در ابتدا هیچ اعتقادی به اسلام نداشتم و این بررسی متون را با فکری آزاد از هرگونه پیش‌داوری با واقع‌بینی تام آغاز کردم.»

ادامه دارد...

مصادر مقاله

- (۱) سوره بقره، آیه ۲۵۶
- (۲) سوره حج، آیه ۷۸
- (۳) سوره علق، آیه ۱۲
- (۴) سوره علق، آیات ۴-۱
- (۵) میزان‌الحکمة ج ۶، ص ۲۵۷
- (۶) سوره توبه، آیه ۶
- (۷) سوره عنکبوت، آیه ۴۱
- (۸) سوره عنکبوت، آیه ۴۴
- (۹) سوره عنکبوت، آیه ۴۴
- (۱۰) سوره فاطر، آیه ۲۵
- (۱۱) سوره زمر، آیه ۹

ای کتب بسیار کرده ایم
ای دیده دل ز تو که گرن ماهم

